

قراردادهای مشارکت تجاری در دوره ایلامی قدیم

دکتر حسین بادامچی استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

چکیده

نوشته های باقی مانده از دوره هزار ساله ایلامی قدیم، از حدود ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ ق م. به زبان ایلامی نادر هستند، اما از شوش در دوره سوکل مخها؛ یعنی نیمه اول هزاره دوم ق م. چند صد سند حقوقی به جا مانده است که منبعی دست اول برای مطالعه تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایلام فراهم می کند. مقاله حاضر در ضمن ویرایش و ترجمه فارسی و انگلیسی دو سند مشارکت برای سفرهای تجاری، به تحلیل شکل و محتوای این اسناد پرداخته و چنین مطالعه تطبیقی با قانون حمورابی که تقریباً همزمان با اسناد شوش بوده است، نکات تازه ای را درباره مقررات کلی راجع به سفرهای تجاری نشان می دهد. به نظر می رسد که اگر خسارت ناشی از حمله دشمن یعنی حملات مسلحانه بود، طبق قواعد کلی تاجر مسوول از دست رفتن سرمایه نبوده است. از سوی دیگر، شروط مقرر در قراردادها، اعمال این قاعده کلی را ظاهراً محدود می کرده است. علاوه بر این اسناد حاضر اطلاعات تازه ای راجع به نقش اقتصادی معابد به دست می دهند.

واژگان کلیدی: شوش، دوره سوکل مخها، ایلام، تجارت، اکدی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۰

E-mail: hbadamchi@ut.ac.ir

مقدمه

تحقیق حاضر دربارهٔ منابع حقوق ایران باستان است و لذا در ابتدا لازم است، اصطلاح منبع حقوق را تعریف کنیم. در تاریخ حقوق اصطلاح منبع (source) دو معنا دارد؛ در معنای تاریخی، منبع به شواهدی گفته می‌شود که مورخ برای پیدا کردن قواعد و نهادهای حقوقی به آنها رجوع می‌کند. در این مقوله مهم‌ترین شواهد عبارتند از: قانون‌نامه‌ها، متن فرمان‌های شاهی، قراردادهای حقوقی بین افراد جامعه، اسناد دادگاه‌ها و مانند اینها. در معنای حقوقی، منبع به هنجارهای نوشته یا نانوشته‌ای گفته می‌شود که محاکم اعتبار تصمیمات خود را از آنها می‌گیرند. در حقوق جدید نمونهٔ بارز این منابع عبارتند از: قانون، رویهٔ قضایی، و معاهدات.

معیار منبع حقوق از دیدگاه تاریخی، قابل اعتماد بودن است، ولی از دیدگاه حقوقی، منبع باید از مرجع صلاحیت‌دار صادر شود و به اصطلاح، اتوریته (authority) داشته باشد. هنجارهای حقوقی در ایران و بین‌النهرین باستان از سه منبع عمده ناشی می‌شده‌است: رویهٔ قضایی، عرف و قانون‌گذاری. حمورابی در مؤخرهٔ قانون‌نامه به مردم ستم‌دیده توصیه می‌کند که فهرست «احکام عادلانه» وی را بر روی ستون بخوانند تا حقوق خود را بشناسند (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). این عبارت اعتبار احکام پیشین در مقام رویهٔ قضایی را نشان می‌دهد.

اما چنانکه ریموند وستبروک (Westbrook, 2003: 14) گفته‌است، در خاور نزدیک باستان، قسمت عمدهٔ آنچه محاکم اعمال می‌کردند، مبتنی بر حقوق عرفی بوده‌است؛ یعنی آنچه بر اساس سنت‌های قدیم در جامعه رایج بوده‌است و خاستگاه آن به روشنی معلوم نیست. یک متن هیتی، اهمیت حقوق عرفی را نشان می‌دهد: این متن دستورالعمل شاهی خطاب به فرماندهٔ گارد مرزی است که سمت قضایی هم داشته است:

Hittite Instruction to the Commander of the Border Guard iii, 9-14 (Miller 2013, 228):

فرمانده گارد مرزی، شهردار و بزرگان باید پرونده‌ها را به دقت قضاوت کنند و به پایان برسانند (یعنی حکم صادر کنند). بنگرید که از زمان‌های گذشته در هر ناحیه چه قاعده‌ای راجع به پرونده شنیع (hurkel) اعمال می‌شده است: در هر شهری که اعدام مجرم اعمال می‌شده، به همان اعدام عمل شود. در هر شهری که مجرم را تبعید می‌کرده‌اند، به همان تبعید عمل شود.

قانون‌گذاری شامل تمام دستورهایی است که از شاه، نمایندگان شاه یا مراجع محلی صادر می‌شود. بیشتر این دستورها ناظر به موارد خاص و موقتی هستند و خلاف قانون در معنای جدید، قاعده‌های کلی ناظر به آینده نیستند.

قراردادها و اسناد دادگاهها معمولاً از آرشیوهای خصوصی به‌دست آمده‌اند. از خاور نزدیک باستان هزاران سند از قراردادهای خصوصی موجود است که موضوعاتی چون بیع، اجاره، دین، شراکت، ازدواج، فرزندانگی، یا تقسیم ارثیه را در بر می‌گیرند. در این‌گونه اسناد، ابتدا موضوع معامله توصیف می‌شود، سپس نام شهود و تاریخ قرارداد ذکر می‌شود. معمولاً شهود و طرفی که تعهد را می‌پذیرد سند را مهر می‌کنند. در اسناد دادگاهها، پرونده‌های دادرسی ثبت می‌شوند، توصیف کوتاه طرفین دعوا، موضوع دعوا و نتیجه دادرسی گاهی دلیل اثبات‌کننده دعوا هم ذکر می‌شود. در دوره بابلی قدیم، اسناد را تنظیم می‌کنند تا طرف برنده دعوا به‌عنوان سند نگاه دارد.

سند از لحاظ ماهیت معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: سند یا ارزش ایجادکنندگی (dispositive) دارد یا ارزش اثبات‌کنندگی (evidentiary). (۱) اولی یک معامله حقوقی را ایجاد می‌کند و دومی معامله‌ای را که خارج از سند صورت گرفته ثبت می‌کند تا به‌عنوان دلیل استفاده شود. اسناد خط‌میزی معمولاً ارزش اثبات‌کنندگی دارند؛ یعنی معامله‌ای را که بصورت شفاهی منعقد شده ثبت می‌کنند.

اسناد اکدی شوش

به‌رغم نادر بودن اسناد به زبان ایلامی قدیم، از شوش در دوره سوکل مخ‌ها بیش از ۵۵۰ سند حقوقی به زبان اکدی در دست است که فرصتی بی‌نظیر برای مطالعه نهادهای حقوقی و اجتماعی ایلام فراهم می‌کند. این اسناد در طی حفاری‌های باستان‌شناسان فرانسوی در شوش پیدا شدند و به‌همت ونسان شیل در سلسله انتشارات هیأت باستان‌شناسی فرانسه (علامت اختصاری MDP) چاپ شدند (نسخه برداری، ویرایش و ترجمه فرانسوی در ۴ مجلد). ونسان شیل (۲) آشورشناس برجسته فرانسوی است که سال‌ها کتیبه‌شناس هیأت باستان‌شناسان فرانسوی در ایران بود و بسیاری از کتیبه‌های مهم به‌دست آمده از شوش (مثلاً قانون حمورابی) را وی برای نخستین بار نسخه‌برداری کرد.

ترتیب چاپ اسناد اکدی شوش به شرح زیر است:

جلد اول (MDP 22) متون ۱ تا ۱۶۵ در سال ۱۹۳۰

جلد دوم (MDP 23) متون ۱۶۶ تا ۳۲۷ در سال ۱۹۳۲

جلد سوم (MDP 24) متون ۳۲۸ تا ۳۹۵ در سال ۱۹۳۳

و جلد چهارم (MDP 28) متون ۳۹۶ تا ۵۵۱ در سال ۱۹۳۹.

هر چند ویرایش و ترجمه شیل در آن زمان اولین قدم و بسیار ارزشمند بود، اما سال‌هاست دیگر قابل استفاده نیست (اما نسخه برداری‌های وی هنوز مفید و قابل استفاده است). متأسفانه مطالعات جدیدی بر روی اسناد اکدی شوش انجام نشده و در نتیجه از این منابع ارزشمند در تاریخ نگاری ایلام غفلت شده‌است. در مورد سابقه تحقیق بر روی اسناد شوش به اختصار اشاره می‌کنیم که در سال ۱۹۶۲، دو تحقیق مهم دربارهٔ دستور زبان اکدی شوش و ویژگی‌های نگارشی آن منتشر شد (De Meyer 1962; Salonon 1962)؛ ولی دربارهٔ جنبه‌های دیگر این اسناد بویژه مفاد حقوقی و اجتماعی مطالعات شایسته در دست نیست، به جز چند مقالهٔ قدیمی از پل کوشاکر (Koschaker) و ژوزف کلیما (Klíma). (برای مشخصات کامل، بنگرید به کتاب نامه مقاله کروشک (Korošec 1964). اکنون برای چند مورد مطالعه موضوعی بر این اسناد بنگرید به بادامچی در کتابنامه).

قرارداد های تجاری

در مطالعهٔ حاضر، از میان بیش از ۵۵۰ سند حقوقی که از شوش در دوره سوکل مخها (سدهٔ ۲۰ تا ۱۶ ق. م) به دست آمده، دو قرارداد شراکت را ویرایش کرده، به همراه ترجمه در این جا می‌آوریم. محتوای این اسناد بر تجارت فرا منطقه‌ای در ایلام باستان و بر نقش اقتصادی معابد ایلامی روشنی می‌افکند. در سند شمارهٔ ۲۷۱، مبلغ قرارداد ۲۴ شقل نقره است (هر شقل ۸ گرم). موضوع قرارداد، سرمایه‌گذاری برای انجام یک سفر تجاری است. سرمایه‌گذار معبد شمش است که آقای ورد امور و به نمایندگی معبد قرارداد را منعقد می‌کند. تاریخ عقد، ماه دوازدهم سال است (سال مشخص نیست؛ زیرا این قسمت از متن کتیبه شکسته شده). شروط ضمن عقد مقرر می‌کنند که سرمایه‌گذار، در برابر خسارات تجاری و یا حملهٔ راهزنان مسئول نخواهد بود. به عبارت دیگر، اصل سرمایه در هر صورت باید به سرمایه‌گذار عودت داده شود؛ ولی سود به هر مقدار که حاصل شود، به‌طور مساوی تقسیم می‌شود. شرط راجع به خسارت ناشی از راهزنی را باید با قانون حمورابی مادهٔ ۱۰۳ مقایسه کرد. قانون حمورابی مقرر می‌کند که در مورد خسارات ناشی از راهزنی، تاجری که در سفر است، مسدول نیست و اگر

سرمایه‌گذار ادعا کند که او حقیقت را نمی‌گوید، گیرندهٔ سرمایه، صرفاً سوگند می‌خورد و دیگر ادعایی علیه وی پذیرفته نمی‌شود. (بادامچی، ۱۳۹۲: مادهٔ ۱۰۳).

šum-ma ar-ra-nam i-na a-la-ki-šu na-ak-ru-um mi-im-ma ša na-šu-ú uš-ta-ad-di-šu šamallûm ni-iš i-lim i-za-kar-ma ú-ta-aš-šar	اگر در حالی که وی (عامل) در سفر تجاری است؛ نیروهای دشمن باعث شوند، وی هر چه دارد رها کند، عامل به خدا سوگند می‌خورد و آزاد می‌شود.
---	--

سؤال مهم این است که چرا در این مورد خاص، عامل یا همان گیرندهٔ سرمایه، نسبت به خسارت وارد شده مسئولیت ندارد؟ به نظر می‌رسد، دلیل عدم مسئولیت عامل تجاری این است که اشخاص عادی امکان مقابله با حملات مسلحانهٔ نیروهای دشمن را ندارند. پس تقصیر نداشتن عامل، دلیل مسئول نبودن وی است. اما قرارداد ایلامی به روشنی گیرندهٔ سرمایه را مسئول هر گونه خسارت ناشی از راهزنی می‌داند. اصلاح اکدی **شیخیت خرائیم** (šihit harrāni)، به معنی هر گونه حمله ای است که در جاده اتفاق بیفتد.

به دو نحو می‌توان این اختلاف قانون حمورابی و سند شوش را توضیح داد: توجیه اول به اختلاف نظام های حقوقی در ایلام و بابل اشاره دارد، یعنی حقوق ایلام و بابل در این مورد با هم تفاوت دارند. در دیدگاه دوم گفته می‌شود که قانون در شرایط عادی حاکم است، مگر این که در قرارداد به نوع دیگری توافق شود. به عبارت دیگر، به طور قراردادی می‌توان خلاف قانون توافق کرد. چون آقای ورد امورو صرفاً نمایندهٔ معبد و قابل تغییر است، قرارداد مقرر می‌کند که اگر شخص دیگری به نمایندگی از معبد بخواهد دین را وصول کند، گیرندهٔ سرمایه نباید از پرداخت سرباز زند، در سطر ۱۱ و ۱۲ اینگونه تصریح شده است (MDP 23, 271: 11-12):

او (وام گیرنده) موظف است به هر کسی که این لوحه را ارائه کند، در هر ناحیه‌ای که باشد، نقره را پرداخت کند.

سند شمارهٔ ۲۷۰، اساساً شبیه سند ۲۷۱ است، اما جزئیات کمتری دارد؛ مثلاً تاریخ معامله ذکر نشده است. موضوع قرارداد، سرمایه گذاری برای سفر تجاری است. در سند شمارهٔ ۲۷۰، گیرندهٔ سرمایه شخص دیگری است. اما سرمایه گذار همان آقای ورد امورو است که در سند ۲۷۱ مشاهده می‌شود. البته نام معبد این بار ذکر نشده است. احتمالاً ورد امورو از اموال شخصی خود وام سرمایه گذاری

می دهد، نه به نمایندگی از معبد شمش. جمله بالا راجع به این که نماینده داین می تواند دین را وصول کند در سند شماره ۲۷۰ ذکر نشده، به دلیل این که قرارداد بین دو شخص حقیقی واقع شده است و می توان استنباط کرد که این بار وام دهنده شخصاً و نه به نمایندگی از معبد، وام می دهد. مبلغ وام به علت شکستگی سند از بین رفته است. ولی سایر قسمت ها شبیه قرار داد شماره ۲۷۱ است. دو نکته خاص در سند شماره ۲۷۰ شایسته ذکر است. اول اینکه نقره بر اساس معیار وزن شهر خوخنوم اندازه گیری شده است و لذا باز پرداخت آن باید بر اساس همان معیار باشد. به دلیل اختلاف در اوزان و مقیاس ها، قراردادهای معمولاً معیار مورد استفاده را تصریح می کنند. مساله تقلب در اوزان و مقیاس های اندازه گیری از دید قانونگذار پنهان نبوده است و قانون حمورابی در ماده ۱۰۳، برای این جرم مجازات غرق کردن در آب؛ یعنی مرگ را پیش بینی کرده است (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۳). دوم در پایان سند به اثر ناخن متعهد اشاره شده است. شخص مدیون، اثر ناخن خود را به صورت علامت ضربدر در پایان سند گذاشته است که مانند امضا، نشانه پذیرفتن تعهد است. دو واژه کیدینوم و کوبوسوم در سطر ۱۱ و ۱۲ سند شماره ۲۷۰ و سطر ۱۲ و ۱۳ سند شماره ۲۷۱ نیازمند توضیح است. سلونن و دو میر جمله را این گونه ترجمه کرده اند:

das kidinnum- und kubussûm-Rechts(regel) wird er nicht in Anspruch nehmen. (Salonen 1967, 43)	او (وام گیرنده) اجازه ندارد، از (قاعده) کیدینوم و کوبوسوم استفاده کند.
il n'allèguera ni kidennum ni kubussûm (De Meyer 1962, 122)	او به کیدینوم یا کوبوسوم توسل نخواهد کرد (یعنی نباید به این دو قاعده استناد کند).

البته در این ترجمه ها دو واژه اصلی ترجمه نشده است. بنابر نظر پل کشاکر این دو واژه به ترتیب به حقوق سکولار یا دنیوی (weltliches Recht) و حقوق الهی (Goettliches Recht) دلالت می کنند (Koschaker, 1935: 38). اما شاهدهی برای اثبات این تقسیم بندی یا بیان ویژگی های این دو نوع قاعده وجود ندارد. کلیما ترجمه دیگری پیشنهاد کرده است:

:kidinnam u kubussâm ul umahharušu: « ils ne lui opposeront ni k. ni k. (Klima 1963, 299)	آنها با کیدینو و کوبوسوم مخالفت نخواهد کرد (یا اعتراض نخواهند کرد)
---	--

در فرهنگ آشوری دانشگاه شیکاگو، این دو واژه اصلی چنین ترجمه شده اند:

divine protection, divinely enforced security (symbolized by a sacred insigne) (kidinnu (CAD K: 342)	حمایت الهی، امنیت که با پشتوانه الهی اعمال می شود (علامت مقدسی سمبل آن بوده است).
Regulations concerning the release of private debts. kubussû (CAD K: 490)	قواعد یا فرمان های مربوط به لغو دیون غیر تجاری

فرهنگ آشوری جای دیگری عبارت صلوم (مترادف کیدینوم) (۳) و کوبوسوم را اینگونه ترجمه کرده است:

şullâm u kubussâm ú-ma-ah-ha-ru (CAD M: 68): to contest the legal procedures	اعتراض کردن به قواعد حقوقی
--	----------------------------

که جمله منفی آن به این معناست، ایشان به قواعد حقوقی اعتراض نخواهند کرد. این ترجمه البته بی معنا است؛ زیرا اعتبار قواعد حقوقی به اعتراض کردن یا نکردن افراد بستگی ندارد. بعلاوه، معنای فعل اکدی مخاروم (mahārum) در لغت، نزدیک شدن است و لذا معنای توسل کردن، روی آوردن یا استناد کردن بیشتر مناسب لفظ و سیاق است. همانطور که فرهنگ آشوری شیکاگو ذکر می کند واژه کوبوسوم به فرمان های لغو دیون دلالت دارد و کلیما با مطالعه کاربردهای کیدینوم، صلوم و کوبوسوم بدرستی متوجه شده بود که این دو واژه در اسناد حقوقی مترادف هستند فرمان های لغو دیون را شاهان در مواقع خاص صادر می کردند، تا دیون غیر تجاری را در سراسر کشور یا استان های خاص لغو کنند و بدین سان در میان مردم محبوبیت کسب کنند و زندگی اقتصادی و اجتماعی را رونق ببخشند. اگر فرمان شاهی، دیون غیر تجاری را لغو کند، توافق خصوصی افراد برای توسل نکردن به فرمان لغو دیون هم بی معناست؛ چون اعتبار دادن به چنین توافقی نقض هدف پادشاه است. به نظر ما جمله «آنها به فرمان لغو دیون توسل نخواهند کرد» در واقع بر ماهیت تجاری قرارداد تأکید می کند که قرارداد های تجاری اصولاً مشمول فرمان های لغو دیون نیستند.

نتیجه

در ایران و بین النهرین باستان، معابد مالک ثروت های بزرگی بودند که در طی سالیان دراز جمع شده بود. متن شماره ۲۷۱، نقش اقتصادی معابد را نشان می دهد (در این جا معبد خداوند شمش) که از ثروت عظیم خود برای سرمایه گذاری در فعالیت های تجاری استفاده می کردند. مقایسه سند شماره

۲۷۱، با سند شماره ۲۷۰؛ که سندی بین افراد عادی است، آشکار می‌سازد که شروط این قراردادها کاملاً مشابه سایر اسناد اقتصادی است و امتیاز خاصی به آنها داده شده است. نکته دوم مربوط به مشخص کردن معیار اندازه گیری در اسناد اقتصادی است؛ چون معیارهای اندازه گیری، گاه از ناحیه ای به ناحیه دیگر تفاوت داشته و ممکن بود موجب اختلاف شود، در سند شماره ۲۷۰ سنگ وزن شهر خوخنور را معیار قرار داده اند. در سند ۲۷۱ به نوع معیار اشاره نشده است؛ احتمالاً به این دلیل موجه که معبد شمش خود دارای معیار اندازه گیری بوده است. در واقع در برخی قرارداد های مشابه بین افراد عادی، معیار معبد شمش را مبنا قرار می دهند. سرانجام اسناد مورد مطالعه نشان می دهد که سرمایه گذاران چگونه خود را از خطر های احتمالی سفر های تجاری ایمن می کنند و مایل هستند، تمام خطرات سفر تجاری به عهده گیرنده سرمایه باشد. قاعده قانون حمورابی راجع به همین مساله، دیدگاه تازه ای را برای مطالعه تطبیقی می گشاید و سوالات مهمی راجع به تعامل قانون و رویه عملی مطرح می کند. اینک متن قرارداد ها را به طور کامل می آوریم.

MDP 23 270

(فلان) مقدار نقره بنا بر سنگ وزن شهر خوخور، برای شراکت،
 (آقای) بیلشونو از (آقای) ورد-امورو گرفته است.
 اگر وی نقره را برای هر کاری به دیگری بسپارد یا آن را به کسی وام دهد
 سرمایه گذار در برابر عدم بازگشت سرمایه یا (خسارت ناشی از) راهزنی در جاده مسئول نیست .
 در پایان سفرش، او اصل نقره را به سرمایه گذار خواهد پرداخت .
 و هر چه سود حاصل شود به طور مساوی تقسیم می کنند .
 او به فرمان های لغو دین توسل نخواهد جست .
 (اسامی شهود):

در برابر خداوند شمش و خداوند روختیر،

در برابر ابوا، خدمتگزار شاه،

در برابر اخی-لومور، در برابر کواتی،

در برابر شیپ-ادد، در برابر لوروب-قزیبیش،

در برابر اینشوشینک-ایلی، طلا ساز،

در برابر ابنش، در برابر خبیل-کینی،

در برابر ایگی-خلکی، کاتب (قرارداد منعقد شد).

(در حاشیه سند) اثر ناخن بیلشونو (به عنوان امضا)

MDP 23 271

مبلغ ۲۴ شقل نقره برای شراکت،
 (آقای) ایتی-پیشو از (معبد) خداوند شمش و (آقای) ورد-مرتو گرفته است .
 در ماه شباتو نقره را گرفته است.
 اگر وی نقره را (برای هر کاری) به دیگری بسپارد یا آن را به کسی وام دهد، سرمایه گذار در برابر عدم
 بازگشت سرمایه یا (خسارت ناشی از) راهزنی در جاده مسئول نیست .

در پایان سفرش، او اصل نقره را به سرمایه گذار خواهد پرداخت؛
و هر چه سود حاصل شود به طور مساوی تقسیم می کنند.
او (وام گیرنده) موظف است به هر کسی که این لوحه را ارائه کند، در هر ناحیه ای که باشد، نقره را
پرداخت کند .
او به فرمان های لغو دین توسل نخواهد جست .
(اسامی شهود):
در برابر خداوند شمش و خداوند اینشوشیناک،
در برابر ایری-ونی، در برابر تیخو-
در برابر ایلو-بانی، در برابر بیلی-
در برابر اتکلشو، در برابر اگوگوتی-
در برابر کیشتی، پسر نور-نین-شوبور،
در برابر ...، پسر دولولی، در برابر اوصریانی،
در برابر ...، در برابر این ۱۴ شاهد (قرارداد منعقد شد).

MDP 23 270 (4)

1- [x ma-na kù]-babbar na₄ <uru^{ki}>
Hu-uh-nu-úr tab-ba

2- [ki Warad-^dMAR.T]U^mBe-el-šū-nu
il-qé

3- *i-qí-ip-pa i-zi-ba-am-ma*

4- *a-na ba-ab-ti ù ší-ih-iṭ kaskal*

5- *um-ma-a-nu ú-ul šu-hu-uz*

6- *i-na šà-la-am gi-ír-ri-šu*

7- *kù-babbar um-ma-na i-ip-pa-al-ma*

8- *ne-me-lam ib-ba-aš-šu-ma*

9- *ma-al-[la] ah-ma-mi i-zu-zu*

10- *ki-dī-nam ù ku-bu-us-sà-am*

11- *ú-ul ú-ma-ah-ha-ar*

12- *igi^dŠamaš igi^dRu-hu-ra-ti-ir*

13- *igi A-bu-ú-a ir lugal*

14- *igi A-hi-lu-mur igi Ku-ú-ù-a-ti*

[x mina] silver according to the weight
stone of city Huhnur, for partnership,
Mr. Belšunu has taken from Warad-
Amurri.

If he entrusts (the silver for trade or
consignment) or lends it (to a third
party), the creditor is not liable for
outstanding merchandise or (loss due
to) highway robbery.

Upon the completion of his journey, he
will repay the silver (capital) to the
creditor.

They shall equally divide as much
profit as (the business trip) will yield.

He shall not appeal to debt cancellation
decrees.

<p>15- igi <i>Še-ip</i>-^d<i>Adad</i> igi <i>Lu-ru-ub-qa-zi-bi-iš</i> 16- igi ^d<i>Inšušinak</i>-dingir <i>ku-ut-ti-im-mi</i> 17- igi <i>Ab-na-aš</i> igi <i>Ha-bil-ki-ni</i> 18- igi <i>I-gi[-hal]-ki</i> dub-sar Margin: <i>šú-pur Be-el-šu-nu</i></p>	<p>Before god <i>Šamaš</i>, before god <i>Ruhurati</i>; Before <i>Abua</i>, king's servant; Before <i>Ahi-lumur</i>; before <i>Kuati</i>; Before <i>Šep</i>-^d<i>Adad</i>; before <i>Lurub-qazibiš</i> Before ^d<i>Inšušinak-ili</i>, goldsmith; Before <i>Abnaš</i>; before <i>Habil-kini</i>; Before <i>Igi-halki</i>, the scribe. Margin: fingernail of <i>Belšunu</i>.</p>
--	---

MDP 23 271

<p>1-1/3 ma.na 4 gín kù.babbar tab.ba 2- ki <i>Šamaš</i> ù <i>Warad</i>-^d<i>MAR.TU</i> 3- <i>Itti-pi-šu il-qé</i> 4- iti <i>Ša-ba-ti</i> kù.babbar <i>il-qé</i> 5- <i>i-qí-ip-pa i-zi-ba-am-ma</i> 6- <i>a-na ba-ab-ti</i> ù <i>ší-hi-iṭ</i> kaskal 7- <i>um-ma-a-nu ú-ul šu-hu-uz</i> 8- kù.babbar <i>um-ma-na i-ip-pa-al-ma</i> 9- <i>ne-me-lam ib-ba-aš-šu-[ú]</i> 10- <i>m[a-al]-la ah-ma-mi i-zu-z[u]</i> 11- [<i>a-n</i>]a <i>na-aš ṭup-pí-šu i-na</i> kar <i>i[n-nam-ma-ru]</i> 12- kù.babbar ì.lá.e <i>ki-di-nam</i> ù <i>ku-b[u-us-sà-am]</i> (Reverse) 13- [<i>ú</i>]-ul <i>ú-ma-ha-ar</i> igi ^d<i>Šamaš</i> igi [^d<i>Inšušinak</i>] 14- igi <i>Ma-an-nu-balum-i-li-šu</i> igi <i>Nu-ur-x</i> 15- igi <i>I-ri-wa-ni</i> igi <i>Ti-hu-x</i> 16- igi <i>Ilu-ba-ni-um</i> igi <i>Be-li-x</i> 17- igi <i>At-kal-šu</i> igi <i>A-gu-gu-ti-x</i></p>	<p>1/3 Mina and 4 shekels of silver for (commercial) partnership, Mr. <i>Itti-pi-šu</i> has taken from the hands of the god <i>Šamaš</i> (i.e., his temple) and <i>Warad-Amurri</i>. In the month of <i>Šabatu</i> he has taken the silver. If he entrusts (the silver for trade or consignment) or lends it (to a third party), the creditor is not liable for outstanding merchandise or (loss due to) highway robbery. He shall pay the silver to the creditor (anyway). They shall equally divide as much profit as (the business trip) will yield. To the one who presents his tablet, in whatever marketplace (<i>kārum</i>) that he (the debtor) is found, he shall pay the silver. He shall not appeal to debt cancellation decrees.</p>
--	--

18- igi <i>Ki-iš-ti</i> dumu <i>Nu-ur-^dNin-Šubur</i>	Before gods Šamaš and Inšušinak;
19- igi [...] dumu <i>Du-ul-lu-li</i>	Before Iri-wani; before Tihu-x;
20- igi [...] <i>uṣ-ri-a-an-ni</i>	Before Ilu-banium; before Beli-x;
21- igi [...] igi 14 ab-ba-meš	Before Atkalšu; before Aguguti-x;
	Before Kišti, son of Nur-Nin-Šubur;
	Before ..., son of Dululi;
	Before x-uṣrianni;
	Before ..., before these 14 witnesses.

فهرست ماه‌های ایلامی و مقایسه با تقویم بین‌النهرین

سند مورد بحث در ماه شباتو منعقد شده که در تقویم ایلامی، سال ۱۲ ماه؛ ولی در تقویم بین‌النهرین، سال ۱۱ ماه است.

Hunger, H. 1980, "Kalender," *Reallexikon der Assyriologie* 5, 297-303.

	ماه‌های ایلامی	ماه‌های بابلی قدیم
I	<i>Addaru</i>	<i>Nisannu</i>
II	<i>Šer'i ša eṣēdi</i>	<i>Ajaru</i>
III	<i>Pīt bābi</i>	<i>Simānu</i>
IV	DINGIR.MAH	<i>Du'ūzu</i>
V	<i>Abu</i>	<i>Abu</i>
VI	<i>Lalubû</i>	<i>Ulûlu</i>
VII	<i>Sibûtu</i>	<i>Tašrîtu</i>
VIII	<i>Šer'i ša erēši</i>	<i>Arahsamna</i>
IX	<i>Tamhîru</i>	<i>Kislîmu</i>
X	<i>Sililîtu</i>	<i>Ṭebētu</i>
XI	<i>Hultuppû</i>	<i>Šabātu</i>
XII	<i>Šabātu</i>	<i>Addaru</i>

فهرست واژگان سند: ستون اول واژه اکدی یا صورت سومری را نشان می دهد، ستون دوم ترجمه انگلیسی و ستون سوم معادل فارسی:

Lexicon for MDP 23 270 and 271:

ab.ba.meš (šībūtu)	witnesses	شهود
ahāzum	to hold, take	گرفتن
ahmāmum	one another, mala ahmāmum together, equally	یکدیگر با هم، به طور مساوی
bābtum	loss, deficit; outstanding merchandise	ضرر، خسارت
ezēbum	to leave, leave behind	ترک کردن
gín	shekel (8 grams)	شقل (۸ گرم)
girrum	caravan; On the arrival of his caravan	کاروان
iti (arah)	month	ماه
Kar (kārum)	harbor, market place	بازار، ناحیه تجاری
kaskal (harrānum)	road, journey, caravan	سفر، کاروان، راه
ki (itti)	from	از
kidinnum	divine protection	حمایت الهی
kubussūm	a kind of legal decree	فرمان شاهی
kuttimmum	a profession, goldsmith, silversmith	طلا ساز
leqūm	to take, receive	گرفتن، دریافت کردن
mahārum	to approach, appeal	متوسل شدن
manû (ma.na)	Mina (480 grams)	مینا (۴۸۰ گرم)
na4 (abnum)	weight stone	سنگ وزن
nēmelum	profit	سود
qiāpum (qāpum)	to entrust	سپردن
Ša-ba-ti	12th month of Elamite calendar	نام ماه ۱۲
šeḥṭum	attack	حمله
tab.ba (tappūtum)	partnership	شراکت
tuppum (dub)	tablet, document	سند، لوحه
ummiānum	creditor, money lender	وام دهنده

یادداشت‌ها

- 1- *New Pauly, Encyclopedia of Ancient World*, vol. 4: 589.
- 2- Vincent Scheil 1858-1940.
- 3- Klima 1963, 300, rightly noticed that *şullum* “est aussi employé dans le sens équivalent au *kidinnum*.”
- 4- I thank Piotr Steinkeller (Harvard University) for the restoration in line 2.



منابع

- بادامچی، حسین (۱۳۹۱) جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری. پژوهش‌های علوم تاریخی (دانشگاه تهران). سال ۴، شماره ۱، ۳۹ تا ۵۹.
- _____ (۱۳۹۱) اجاره نامه زمین کشاورزی: تحلیل سه سند حقوقی از ایلام باستان به همراه ویرایش متن اکدی. پژوهش‌های ایرانشناسی (دانشگاه تهران)، سال ۱، شماره ۲، ۲۱ تا ۳۸.
- _____ (۱۳۹۲) قانون حمورابی. به همراه ترجمه متن اکدی. تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۹۲) وضعیت اجتماعی زن در ایران باستان: وصیت نامه ایلامی گیمیل ادد از دوره سوکل مخ‌ها (۱۶۵۰ ق.م.). پژوهش‌های ایرانشناسی (دانشگاه تهران). سال ۳، شماره ۲، ۱۷ تا ۳۲.
- _____ (۱۳۹۲) دادرسی در ایلام باستان به همراه ویرایش. ترجمه فارسی و انگلیسی دو سند ایلامی. پژوهش‌های علوم تاریخی (دانشگاه تهران). سال ۵، شماره ۲، ۲۱ تا ۳۷.
- De Meyer, L. 1962, *L'accadien des contrats de Suse*, IrAnt Supplement 1, Leiden: E.J. Brill.
- Klíma, Josef 1963, "Le droit élamite au deuxième millénaire av. n. è. et sa position envers le droit babylonien," *ArOr* 31: 287-309.
- Korošec, V. 1964, "Elam," pp. 134-141 in *Orientalisches Recht*, Handbuch der Orientalistik 1/3, edited by E. Seidl et al., Leiden: E.J. Brill.
- Koschaker, P. 1935, Goettliches und weltliches Recht nach den Urkunden aus Susa. Zugleich ein Beitrag zu ihrer Chronologie, *Orientalia* 4: 38-80.
- Miller, Jared L. 2013, *Royal Hittite instructions and related administrative texts*, Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Salonen, E. 1962, *Untersuchungen zur Schrift und Sprache des Altbabylonischen von Susa mit Berücksichtigung der Mâlamir-Texte*, StOr 27, Helsinki.
- Salonen, E. 1967, *Glossar zu den altbabylonischen Urkunden aus Susa*, StOr 36, Helsinki.

Steve, M.-J., F. Vallat, and H. Gasche 2005, "Suse," in *Supplément Au Dictionnaire de la Bible*, edited by L. Pirot et al., vol. 13, cols. 359- 652, Paris.

Westbrook, Raymond (ed.) 2003, *A History of Ancient Near Eastern Law*, 2 volumes, Leiden: E.J. Brill.

Abbreviations:

MDP = Mémoires de la Délégation de Perse

MDP 4 = Scheil, V. 1902, *Textes élamites-sémitiques*, deuxième série: "Code des lois (droit privé) de Hammurabi, roi de Babylone, vers l'an 2000 avant Jésus-Christ," Paris.

MDP 18 = Dossin, G. 1927, *Autres textes sumériens et accadiens*, Paris.

MDP 22 = Scheil, V. 1930, *Actes juridiques susiens*, Paris.

MDP 23 = Scheil, V. 1932, *Actes juridiques susiens (Suite: n°166 à n°327)*, Paris.

MDP 24 = Scheil, V. 1933, *Actes juridiques susiens (Suite: n°328 à 395)*, Paris.

MDP 28 = Scheil, V. 1939, *Mélanges épigraphiques*, Paris.

اصل سند را در موزه ایران باستان مطالعه و عکس برداری کردیم. برای دسترسی به سند و عکس برداری از خانم‌ها پیران (تالار کتیبه‌ها) و قلبچ خانی (واحد عکس و فیلم) سپاسگزاریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی